



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۰/۲۴

رفعت حسینی

دلایل عقلانی «رهزن» بودن حبیب الله سقوزاده

درین سال های پسین که کامپیوتر بدسترس همگانست، تعداد وبسایت ها و برگه های فیسبوک باشندگان افغانستان، در داخل و خارج از مملکت، بتعداد ستاره ها در آسمان رسیده است. یگان تاجیک که «تعصب + بی مایگی» رهبران اومی باشند، در برگه اش می نویسد: «رهزن اتهامیست که پشتون ها و فاشیست های افغان ملتی، برحبیب الله کلکانی بسته اند. به روایت ریش سفید های موقر و با تجربه، حبیب الله در تمام زندگانی اش برای رفاه مردم می زیست.

همسایه های او عاشق دیدارش بود.

گاهی دهقان پیری را در بیل زدن کمک می کرد.

این اتهام بستن ها به کلکانی، مانند دو انگشتی است که خورشید را پت کند. مگر خورشید نیکنامی کلکانی و اینکه مردم دوست بود به جاودانگی رسیده است.»

...

به پندار من اما:

یک.

درباره حیثیت و شخصیت فردی و اجتماعی سقوزاده میتوان به نبشته هایی که در کتب تاریخی روس، انگلیس، هند، ایالات متحده انتشار یافته اند، مراجعه کرد.

دو.

سند منطقی و عقلانی در مورد دانش، آگاهی و شخصیت اجتماعی حبیب الله، متن نخستین < فرمان پادشاهی > او به حیث ((پادشاه و خادم دین رسول الله)) می باشد.

حبیب الله سقوزاده و زعامت یک سرزمین همان قدر از همدگر دور بوده اند که کره زمین و آفتاب.

درپایین بخوانید این فرمان شاه!! سفوزاده را و از شرم سر خم نمایند و یک روز در سکوت بسر برید.

این فرمان حکم صادر میکند که حبیب الله کلکانی [رهزن] بوده است.



فرمان پادشاهی

چون بمرحمت حضرت الهی و تائیدات دین رسالت پناهی به خلع به امان الله مخرب دین که یگانه آرزوی ما و شما بود موفق شدم از بدو جلوس خود اجراءات نامشروع او را ممنوع نموده‌ام. برای آگاهی شما غیرت‌داران دین حضرت سیدالانام ذیلاً مینگارم.

- ۱- سلام که از طریقه مسنونه است و باشاره کلاه رواج داده بود مطابق سنت سنیه امر دادم .
- ۲- دستار که از طریقه و سنت آنحضرت است و ادای نماز بآن کامل می‌گردد موقوف کرده بود حکم دادم که بالکل دستار رواج باشد .
- ۳- البسه اسلامی که ترک شده بود برحال دانسته مشابه کفار را منع کردم .
- ۴- ترک ستر را که حکم کرده بود مسترد کردم .
- ۵- برآمدن زنان و دختران بالغه را بدون اجازه ولی شان و مکتب مستورات را موقوف کردم .
- ۶- قطع ریش و بروت را موقوف کردم .
- ۷- مکاتب انگریزی و فرانسوی و جرمنی را موقوف کردم .
- ۸- فرستادن دخترها را که در خارجه نموده بود چون بدناموسی ملت بود جایز ندانستم و آنها را خواسته دیگر فرستادن را قطعاً ممنوع نمودم .
- ۹- آنچه کوشش برای ترقیات دنیای دو روزه بدون ملاحظات دینی داشت و از آنها ضرر دینی بظهور میرسید ممنوع نمودم .
- ۱۰- استخفاف علم و علما را می‌نمود و برخلاف آن احترام شان شرعاً واجب است .
- ۱۱- نفاق‌اندازی که بواسطه ترک مذهب و خرابی عقیده خود در اسلام انداخته بود برطرف نمودم زیرا تمام رویه را بر طبق مذهب حنفی نمودم .
- ۱۲- حساب هندسه انگریزی را رواج داده بود موقوف کردم .
- ۱۳- سنه قمری را که به شمسی تحویل داده بود موقوف کردم .
- ۱۴- روز جمعه را که به پنجشنبه تبدیل کرده بود متروک ساختم .

۱۵- حقوق بیت‌المال را بخواهشات نفسانی خود صرف کرده مصارف ملا و مؤذن و مساجد را قطع کرده بود جاری ساختم .

۱۶- امر معروف و نهی منکر را که مانع شده بود رواج دادم .

۱۷- حضرات مجددی را که پیشوای اسلامیان است محبوس ساخته بود رها ساختم که تلقین دینی نمایند .

۱۸- شراب خوری را که رواج داده بود بالکل موقوف کردم .

۱۹- ملا عبدالله خان {مشهور به «ملای لنگ»} مرحوم سمت جنوبی را که در راه سربازی دین مقتول ساخته بود امر دادم که مرقدش درست و آباد کرده شود.

از نزد فقرات فوق شمایان را اطلاع دادم که مستحضر باشید و علاوهً از فقرات فوق‌الذکر مراعات اهالی را بفقرات ذیل نیز نمودم:

۱- بخشش باقیات سال‌های ماضی الی اخیر ۱۳۴۷ که از قسم مالیاتی بر ذمه رعایا ملکان باقی مانده باشد .

۲- ملازمت نظام خوشی برضاء بمعاش ماهواره بیست روپیه و چهار سیر غله در سال و دو دست دریشی و یک جوره بوت .

۳- معافی اضافات مالیاتی از قبیل طرقي و سرک پلی و باقی و غیره.

این همه تکالیف خلاف شرع شریف را ممنوع کرده مالیه حقیه اسلامی را که شارع حکم داده منظور کرده‌ام و در آسوده‌حالی احوال رعایا چنانچه باید و شاید کوشیده و میکوشم و تمام اجراءات مملکتی را بر طبق جواز شرع انور نموده و می‌نمایم و از شمایان خواهش دارم که بیعت‌های قومی خود را گرفته باعزة و اشراف و سادات و علماء و خوانین و ملکان بحضور و والای ما حاضر شوید که علماء و سادات بمکافات خوب نایل و خورسندی حضورم از شما حاصل نموده وظیفه مستمری سادات و خوانین را بقرار بست سلطنت امیر شهید حکم منظوری دادم.

مهر

لغتنامه :

مسنونه = سنت کرده شده، مشروع و موافق شرع

استخفاف = سبک شمردن کسی

شارع = صاحب شرع که تعلیم دین به مردم کند